

نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی



عنوان: نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی
 نویسنده: تیم دیلینی
 مترجم: بهرننگ صدیقی، وحید طلوعی
 ناشر: نشر نی، ۴۹۶ صفحه
 سال نشر: ۱۳۸۷
 اعظم موسوی

روش جالبی است که با آن می‌توان درباره‌ی جدال‌ها، دشواری‌ها و دستاوردهای هر یک از نظریه‌پردازان چیزی آموخت. همچنین زندگی‌نامه‌ها نشان می‌دهند که افراد محصول زمان و مکان تاریخی خود می‌باشند که در زمینه‌ی پیشبرد و توسعه‌ی حوزه‌ی جامعه‌شناسی نقش مهمی داشته‌اند.

نویسنده در هر فصل، ابتدا شرح مختصری از زندگی‌نامه‌ی هر یک از این نظریه‌پردازان مثل: پیشینه‌ی خانوادگی، تحصیلات، زندگی شخصی و آثار منتشره و... می‌پردازد. سپس نگاهی بر تأثیرات فکری شاخصی که به شکل‌گیری تفکر هر نظریه‌پرداز کمک کرده است، می‌اندازد. نویسنده علاوه بر آن بر مفاهیم و نوشته‌های هر نظریه‌پرداز و کاربرد متناسب مفاهیم و نوشته‌های آنان در جامعه‌ی معاصر و آینده، مروری مختصر و روشن دارد.

فصل اول با عنوان پیشینه‌ی اجتماعی، سیاسی و فلسفی تفکرات جامعه‌شناسی، به کلیتی درباره‌ی پیشینه‌های متعدد اجتماعی، سیاسی و فلسفی‌ای که زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌شناسی بوده‌اند، پرداخته می‌شود.

به نظر وی سرآغاز ماجرای نظریه‌ی اجتماعی کتاب شهریار ماکیاولی است، که در سال ۱۵۱۳، در اوج رنسانس منتشر شد. ماکیاولی در کتابش، تمام اعمال خشونت‌آمیز، بی‌رحمانه، ظالمانه، قهرآمیز و در مواردی حتی شفقت‌آمیزی را مطرح کرده است که حاکمان برای حفظ قدرتشان باید به آنها متوسل شوند.

بشر در پی یافتن معنای زندگی و مشتاق آن است تا جهان پیرامونش را دریابد. شناخت جهانی که حاصل ایمان، سنت، عقل سلیم و علم است. همه‌ی این رهیافت‌ها، به جز علم، کاستی‌هایی اساسی دارند. جامعه‌شناسی به ما می‌آموزد به چیزی فراتر از محدوده‌ی عقل سلیم توجه کنیم و بدانیم که آن چه همه می‌گویند، لزوماً درست نیست. این تناقض غالباً به شوک فرهنگی می‌انجامد. که با باورهای پیشین درباره‌ی گروه اجتماعی، مکان یا پدیده تناقض دارد. در حقیقت رفتار انسانی و واقعیت اجتماعی محصولی است که از دل وقایع به هم پیوسته‌ی تاریخی در حوزه‌های رفتار و پدیده‌ها بروز کرده است. تا سرگذشت فردی و تاریخ و روابط بین این دو در جامعه درک شود. از این منظر، افراد در می‌یابند که مشکلاتشان نتیجه‌ی گرایش اجتماعی بزرگ‌تری است. زیرا که با تغییر ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه که به تبع آن، شمار فراوانی از مردم بدون آن که خطایی مرتکب شده باشند، برای آنان مشکلاتی به وجود می‌آید (مثل بیکاری)، ولی با درک از تغییر بالا، بی‌تردید احساس تأسف برای آنها کاهش می‌یابد.

نویسنده با توجه به اهمیت زندگی‌نامه‌ی متفکران، تحلیل و اتفاقات تاریخی مربوط به آن نظریه‌پردازان را به طور اجمالی بررسی می‌کند. علاوه بر آن پژوهشگر را از مفاهیم اصلی و سهم هر نظریه‌پرداز در نظریه‌ی اجتماعی مطلع می‌سازد. شرح مختصر زندگی‌نامه‌ی هر یک از نظریه‌پردازان یا به عبارتی دیگر شرح‌حال‌نویسی و مطالعه‌ی آن



به نظر نویسنده، پس از ماکیاولی، متفکران اجتماعی بسیاری به بررسی جامعه و رفتار انسانی پرداخته‌اند. در ادامه شرح مختصری از زندگی شخصی و آثار شاخص سه تن از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان، تامس‌هابز، جان لاک، ژان ژاک روسو و سن سیمون آورده شده است.

تامس‌هابز:

خدمت اساسی‌هایباز به تفکر اجتماعی، طرح این ایده بود که نظم حاکم بر جامعه را انسان‌ها به وجود آورده‌اند و از این رو، آنها نیز می‌توانند آن را تغییر دهند. او در خصوص حکومت‌های اقتدارطلب نیز معتقد بود که اقتدار را خود انسان‌ها به حکومت بخشیده‌اند، انسان‌هایی که در صورت رضایت آنها، حاکم می‌تواند قدرت مطلق خود را حفظ کند. هابز، به مثابه نظریه‌پرداز سیاسی و اجتماعی، به فکر افتاد که زندگی و روابط انسانی، در غیاب حکومت، چه شکلی خواهد یافت. او در سال ۱۶۵۱، مهم‌ترین اثر خود، لویان، را منتشر کرد. هابز در این کتاب، شرح نگران‌کننده‌ای از جامعه‌ی بدون حکومت ارائه می‌کند. از نظر وی، چنین جامعه‌ای آکنده از ترس و خطر مرگ بی‌رحمانه خواهد بود، و بشر در انزوا و فقر، زندگی تلخ، وحشیانه و کوتاهی را تجربه می‌کند...

جان لاک:

لاک علاوه بر حق همگانی صیانت نفس، به داشتن حق طبیعی مالکیت خصوصی افراد معتقد بود. این حق طبیعی دو پیش شرط قانون طبیعی را با خود به همراه می‌آورد. نخستین قانون طبیعی این است که از آنجا که خداوند کره‌ی خاکی را در اختیار تمامی آدمیان قرار داده، به اندازه‌ی کافی دارایی برای همگان گذاشته است تا از آن بهره‌مند شوند. دوم این که هیچ چیز نباید ضایع و خراب شود. بر مبنای این شرط است که هر فرد حق مالکیت انحصاری بر هر چیزی را دارد که با کار کردن به دست آورده است.

لاک با هابز هم نظر بود که آدمیان، بنا به ماهیت بشری‌شان، به دلیل محدودیت‌های موجود در قوانین طبیعی در خصوص انباشت دارایی، سر انجام راهی پیدا می‌کنند و پول را پدید می‌آورند...

ژان - ژاک روسو:

روسو انسانی جذاب بود که ایده‌های ارتدکس و نثر پرشور وی، توجه بسیاری را در قرن هجدهم فرانسه برانگیخت. نقطه‌نظرات جمهوری خواهانه‌اش برای آزادی، برابری و برادری عاقبت به وقوع انقلا ب فرانسه انجامید. از روسو آثار چاپ شده‌ی درخشانی به جا

مانده است، در دومین اثرش، گفتاری درباره‌ی منشأ نابرابری، به شرح فرآیندی پرداخته است که در آن نهادهای اجتماعی موجب گسترش فزاینده‌ی نابرابری در جامعه‌ی اشرافی فرانسه شدند. در شرایطی که اشراف و سران کلیسا در ناز و نعمت بودند، رعایای فقیر مجبور بودند قسمت اعظم مالیات را بپردازند. مضمون اثر فوق این است که جامعه، انسان را از سرشت خویش بیگانه می‌سازد و بدین ترتیب شرایطی از تعارض درونی با دیگران را ایجاد می‌کند...

نویسنده در فصل اول به توضیح عصر روشنگری می‌پردازد. او عقیده دارد، اصطلاح عام «عصر روشنگری» به توصیف آثار و گرایش‌های فکری می‌پردازد که در خلال قرن هجدهم میلادی، پیش از انقلاب فرانسه در اروپا و مناطق مهاجرنشین آمریکا پدید آمد.

متفکران عصر روشنگری، با دقت بسیار، تمهیدات جامعه را زیر نظر گرفتند. آن چه مرکز توجه این متفکران بود، دستیابی انسان و جامعه‌ی انسانی به کمال در همین دنیا بود، نه در جهان پس از مرگ. از نظر ایشان، آموزش عقلانی و فهم علمی از خود و جامعه، راه رسیدن به تمام پیشرفت‌های انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود. انسان به واسطه‌ی برخورداری از قوه‌ی تعقل، می‌تواند به پیشرفت نایل آید. به علاوه، سنت، دین یا قدرت حاکمان نباید تعقل را در تنگنا قرار دهد...

کلود-آ نری سن سیمون:

سن سیمون در احیای دین شرکت داشت و خطوط کلی این رویکرد را در مهم‌ترین اثرش، مسیحیت جدید ترسیم کرد. او در این کتاب، به دنبال طرح رویکردی نوین و انسانی‌تر به دین غربی برآمد. به باور وی، علم و دین عاقبت برای ایجاد دینی اثبات‌گرایانه، یا به تعبیر او اخلاقیات این جهانی، درهم خواهند آمیخت.

سن سیمون با اقتباس از نگرش بقای اصلح به این باور دست یافت که همگان باید کار کنند و اعضای پویای جامعه باشند و کسی که به کار و تولید تن ندهد، چیزی برای خوردن نخواهد داشت...

این فصل با ذکر اهمیت انقلاب، تعدد انقلاب‌های صنعتی و سیاسی، به پایان می‌رسد.

فصل‌های دوم تا سیزدهم کتاب به معرفی ۱۲ تن از متفکران اجتماعی و نظریه‌پردازان خاص می‌پردازد که در زیر به شرح کوتاهی از آن پرداخته خواهد شد.

اگوست کنت:

به عقیده‌ی کنت، تکامل یا پیشرفت بشر از رشد ذهن او حاصل می‌شود. به نظر وی، جوامع باید همان سلسله مراحل تکاملی را طی کنند که ذهن بشر طی آنها تکامل می‌یابد. گذار همواره دشوار است و آکنده از دوره‌های بی‌سازمانی عظیم و سازمان‌دهی دوباره براساس

شکل نو ظهور افکار.

کنت در جامعه‌شناسی، از جایگاه محکمی برخوردار است. او نه تنها نام‌گذار جامعه‌شناسی است، بلکه جهت و روند اولیه‌ی این علم را نیز در اختیار گذاشت. بنابراین، او را باید «بنیان‌گذار» جامعه‌شناسی دانست. کنت آشکار ساخت که جامعه‌شناسی علمی اثبات‌گرایانه است...

هربرت اسپنسر:

آثار و نظریه‌های اسپنسر در طول حیاتش، مورد استقبال جدی قرار گرفت. ایده‌های وی در سال‌های نخستین پایه‌گذاری جامعه‌شناسی در امریکا بسیار تأثیرگذارتر از کنت، مارکس، دورکیم و وبر بود.

در ادامه، مهم‌ترین آثار او، از جمله ایده‌هایش درباره‌ی تکامل اجتماعی، تجزیه، تکامل و زوال، بقای اصلح و سنخ‌های اجتماعی، طرح خواهند شد...

کارل مارکس:

مارکس که یکی از مؤثرترین متفکران اجتماعی در همه‌ی اعصار بوده است، نوشته‌های بسیاری دارد. اما کتاب‌هایی که درباره‌ی مارکس نوشته شده است، غالباً توانسته‌اند تأثیر حقیقی تفکر مارکسیستی را ادا کنند. مارکس انسان‌گرایی بود که عمیقاً از مصائب طبقه‌ی کارگر و بهره‌کشی از کارگران در نظام سرمایه‌داری، که خود مشاهده کرده بود، آزرده خاطر بود. وی معتقد بود که سرمایه‌داری مرحله‌ای شرارت‌بار، اما گریزناپذیر در گذار به کمونیست است...

امیل دورکیم:

دورکیم با عناوین القابی چون «پدر کارکردگرایی»، «پدر جامعه‌شناسی فرانسه»، «بنیان‌گذار جامعه‌شناسی نوین» و نخستین استاد صاحب کرسی جامعه‌شناسی، آشکارا سهم عمده‌ای در تفکر اجتماعی داشته است. او در مقایسه با سایر جامعه‌شناسان کلاسیک، نظریه‌ی منسجم‌تری ارائه کرد. او یک جهت‌گیری نظری شفاف را بیان کرد و مجموعه‌ای از مفاهیم دقیق را در آثارش به کار گرفت...

گئورگ زیمل:

رویکرد جامعه‌شناختی زیمل را به عبارتی صحیح باید تلاشی آگاهانه برای رد نظریه‌های مبتنی بر قیاس ارگانیک کنت و اسپنسر و توصیف تاریخی از رویدادهای آلمان دانست. زیمل جامعه را نه یک شیء یا یک ارگانسیم (ارگانسیم‌گرایانه)، یا صرفاً برچسبی برای مخلوقات انتزاعی (ایده‌ال‌گرایانه) نمی‌دانست، بلکه آن را مجموعه‌ای از تمام کنش‌های متقابل الگودار فردی می‌دانست...

ایدئولوژی و اتوپیا. اما متعاقب جنگ جهانی دوم، مانهایم "انگلیسی" بسیاری از آثاری را که در دست تهیه و تکمیل داشت کنار گذاشت و در عوض، توجه او به تشخیص دردهای زمانه‌ی خود، بازسازی اجتماعی و مقولات مرتبط با خردگرایی و خردگرایی معطوف شد...

تالکوت پارسونز:

پارسونز در پی آن بود که یک نظریه‌ی کامل در مورد جامعه پدید آورد؛ یک نظریه که تمام رفتارهای اجتماعی را در تمام مکان‌ها و در کل تاریخ با مدلی واحد، یعنی کارکردگرایی ساختاری یا به اختصار کارکردگرایی، تبیین کند. نظریه‌ی وی طبیعتاً به شدت انتزاعی و در عین حال، بسیار مفصل است. اگر چه امروزه در جامعه‌شناسی نظریه‌پردازی انتزاعی از رواج افتاده است، مطالعه‌ی تحلیل‌های پارسونز از نظام‌های اجتماعی و کنش اجتماعی هم‌چنان برای دانشجویان نظریه‌های اجتماعی واجب است...

جورج هومنز:

همان‌طور که ظاهراً از همه‌ی تأثیرات اولیه بر آثارش برمی‌آید، کمک هومنز به پیشرفت نظریه‌ی اجتماعی بر محور نظریه‌ی مبادله و مفاهیم مرتبط با آن استوار است. آثار اولیه‌ی وی حاکی از گرایش کارکردگرایی و رویکردی سیستمی در بررسی رفتار انسان بودند، اما در آثار بعدی‌اش، حمله‌ای تمام‌عیار به پارسونز و نظریه‌پردازان دیگر می‌کند که بر خلاف وی، اصرار بر بهره‌گیری از قضایای بنیادین اقتصادی و اصول روان‌شناختی در تبیین کنش متقابل انسان نداشتند.

فصل چهاردهم با عنوان «سهم زنان در نظریه‌های اجتماعی کلاسیک» به تأثیرات اصلاح‌طلبانه و نیز پیش‌تازانه‌ی زنان برگزیده در حوزه‌های نظریه‌ی جامعه‌شناسی کلاسیک و در پیشرفت جامعه‌شناسی اختصاص دارد. نقش مهم این فصل به جهت ایجاد بنیادی استوار برای نقش زنان در توسعه‌ی تفکر جامعه‌شناختی است. این فصل تصویری روشن از تبعیضی که زنان در عصر کلاسیک احساس کرده‌اند، به نمایش می‌گذارد. قرار دادن این فصل در پایان کتاب برای ذکر این نکته است که نقش زنان در نظریه‌ی جامعه‌شناسی تازه آغاز شده است. بنابراین، فصل چهاردهم در حکم فصل گذر به عصر نظریه‌ی اجتماعی معاصر است. این فصل زنانی چون: هریت مارتینو، بی تیریس پاتر وب، آنا جولیا کوپر، آیدا ولس بان، شارلوت پرکینز گیلمن، جین آدامز، ماریان وبر، سنکا فالز، الیزابت کیدی استانتن و لوکرتیا کافین مات را نیز معرفی کرده است.

سرانجام در خاتمه، کتاب‌شناسی به زبان انگلیسی و نمایه، کتاب را به پایان می‌رساند.

ماکس وبر:

ماکس وبر یکی از «بزرگان بنیان‌گذار» جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. او دانشمندی بود با بلندپروازی‌های عظیم علمی و پر از انرژی‌های پراکنده و سرکش. در نتیجه، کارهای زیادی که وی قصد داشت انجام دهد، تکمیل یا اصلاح کند، به صورت آشفته بازاری از مقالات، رساله‌ها، طرح‌های کلی، جزوه‌های دانشجویی و نظایر این‌ها رها شدند. هیچ کس را نباید صرفاً به این دلیل محکوم کرد که تلاش‌هایش در قلمرو فکری بیش از آن بوده باشد که می‌توانسته عملاً به آن دست پیدا کند. آثار وبر آثاری پیچیده و متنوع‌اند که می‌توان به طرق گوناگون آنها را تفسیر کرد...

چارلز کولی:

در ابتدا آثار کولی، در مقایسه با معاصرانش، محدود و ساده تلقی می‌شد. اما اینک دانشجویان با شروع هزاره‌ی سوم به مطالعه‌ی آثار وی، بیش از مطالعه‌ی آثار وارد و گیدگینگز، می‌پردازند. کمک کولی در پردازش نظریه‌های میان‌مدت و کنش متقابل اجتماعی، پس از پشت سر گذاشتن آزمون زمان، به اثبات رسیده است...

جورج هربرت مید:

جورج هربرت مید را عموماً بنیان‌گذار نظریه‌ی مدرن کنش متقابل نمادین می‌خوانند. او را معمولاً روان‌شناس اجتماعی می‌دانند که به تبیین نحوه‌ی شکل‌گیری ذهن، آگاهی و خود (خویشتن) از طریق کنش متقابل نمادین پرداخته است. اما مید، ورای این مورد، نظامی فلسفی پدید آورد که امکان پردازش یک نظریه‌ی اجتماعی را به وی داد که در آن تمام وجوه جامعه و تجربه‌ی اجتماعی را -ذهنی و عینی، کلان و خرد- یکپارچه کند...

تورستاین ویبلن:

از آن جا که ویبلن آرای خود را نظام‌مند طرح نکرد، به سادگی نمی‌توان به مفاهیم و آثار وی نظمی منطقی داد. او در پی درافتادن با تفکرات اجتماعی رایج یا قالب‌های مشخص رفتار اخلاقی و معنوی برنیامد. با این‌که طنزپرداز بود، مجموعه‌ای از نظریه‌های اجتماعی معتبر و ماندگار پدید آورد. بیشترین شهرت و سهم ماندگار ویبلن در تفکر اجتماعی به آرای وی در خصوص طبقه‌ی مرفه مربوط است...

کارل مانهایم:

زندگی کارل مانهایم بسیار پرهیجان و مملو از حوادث و تأثیرگذاری‌های علمی بود. او مانند سایر متفکران علوم اجتماعی، تحت تأثیر محیط فیزیکی خود قرار گرفت. به نظر می‌رسد مانهایم "آلمانی" مهم‌ترین آثار را در زمینه‌ی نظریه‌ی جامعه‌شناسی از خود به جا گذاشت: جامعه‌شناسی شناخت، تاریخ باروری و ایده‌هایش درباره‌ی